

طرح جامع راهبردی - حقوقی جمهوری اسلامی ایران در مواجهه با تجاوزات سازمان یافته علیه حاکمیت ملی، امنیت منطقه‌ای و حقوق دریایی کشور

با ابتناء بر حقوق بین‌الملل عمومی، حقوق مخاصمات مسلحانه، حقوق دریاها، اصول امنیت جمعی و دکترین بازدارندگی مشروع

در نظام حقوقی معاصر، امنیت دریایی، آزادی کشتیرانی و اصل عبور ترانزیتی، مفاهیمی مطلق، انتزاعی و منفک از اصل بنیادین «منع توسل به زور» نیستند. هیچ دولت یا ائتلافی نمی‌تواند همزمان با ارتکاب تجاوز نظامی، تحریم فراگیر اقتصادی، حمله به زیرساخت‌های حیاتی، ترور مقامات عالی‌رتبه سیاسی و نظامی، هدف قراردادن دانشمندان، نخبگان علمی، مراکز درمانی، تأسیسات صلح‌آمیز هسته‌ای و مناطق مسکونی یک کشور، از مزایا و مواهب امنیت دریایی همان دولت نیز به‌صورت نامحدود و رایگان بهره‌مند گردد.

در فرضی که جمهوری اسلامی ایران هدف یک جنگ ترکیبی، سازمان‌یافته و فرامرزی قرار گرفته باشد؛ جنگی که ابعاد آن از حمله مستقیم نظامی تا تروریسم دولتی، خرابکاری اقتصادی، جنگ سایبری، تحریم‌های فلج‌کننده و تعرض به غیرنظامیان امتداد یافته است، بدیهی است که دولت ایران وفق اصول شناخته‌شده حقوق بین‌الملل، از حق ذاتی دفاع مشروع و اتخاذ تدابیر متناسب حفاظتی برخوردار خواهد بود.

این حق، صرفاً ناظر بر پاسخ نظامی نیست؛ بلکه شامل مجموعه‌ای از اقدامات حقوقی، قضایی، دیپلماتیک، اقتصادی، امنیتی و دریایی نیز می‌شود که هدف آن اعاده توازن، صیانت از حقوق عامه ملت، حفظ امنیت ملی، جلوگیری از تکرار تجاوز و بازتعریف مسئولیت دولت‌های بهره‌مند از امنیت منطقه‌ای است.

مبانی حقوقی و بین‌المللی قابل استناد

۱. اصل منع توسل به زور و حق دفاع مشروع

مطابق ماده ۲ بند ۴ منشور United Nations ، توسل به زور علیه تمامیت ارضی و استقلال سیاسی دولت‌ها ممنوع است. در مقابل، ماده ۵۱ منشور، حق ذاتی دفاع مشروع فردی و جمعی را تا زمان اعاده امنیت بین‌المللی به رسمیت شناخته است.

در شرایطی که یک دولت هدف حملات مستمر، سازمان‌یافته و گسترده علیه مقامات رسمی، غیرنظامیان، زیرساخت‌های حیاتی و تأسیسات تحت نظارت بین‌المللی قرار گیرد، حق دفاع مشروع صرفاً محدود به میدان نبرد کلاسیک نبوده و می‌تواند ابعاد اقتصادی، دریایی و امنیتی نیز پیدا کند.

۲. کنوانسیون‌های ۱۹۵۸ ژنو و حقوق دولت ساحلی

Geneva Conventions on the Law of the Sea

بر اساس اصول پذیرفته‌شده حقوق دریاها، دولت ساحلی نسبت به دریای سرزمینی خود دارای حاکمیت کامل است و می‌تواند در صورت تهدید علیه امنیت ملی، اقدام به وضع محدودیت‌ها و تدابیر حفاظتی موقت نماید.

عبور بی‌ضرر زمانی معتبر است که:

متضمن تهدید علیه امنیت دولت ساحلی نباشد؛

در خدمت عملیات خصمانه قرار نگیرد؛

موجب اختلال در امنیت و نظم عمومی نشود.

بدیهی است کشوری که همزمان در معرض تجاوز مستقیم قرار گرفته، نمی‌تواند نسبت به استفاده خصمانه از محیط دریایی پیرامونی خود بی‌تفاوت باشد.

۳. کنوانسیون حقوق دریاها ۱۹۸۲ جامائیکا

United Nations Convention on the Law of the Sea

هرچند جمهوری اسلامی ایران این کنوانسیون را به‌صورت نهایی تصویب نکرده است، لیکن بخش مهمی از مقررات آن امروزه در قالب عرف بین‌المللی الزام‌آور تلقی می‌شود.

مطابق این کنوانسیون:

آزادی کشتیرانی مطلق نیست؛

دولت ساحلی حق وضع مقررات امنیتی و حفاظتی دارد؛

استفاده از دریا علیه امنیت دولت ساحلی ممنوع است؛

اصل «عدم سوءاستفاده از حق» بر تمامی رژیم‌های حقوقی حاکم است.

دولتی که از مسیرهای دریایی یک کشور برای پشتیبانی جنگ اقتصادی یا عملیات خصمانه استفاده می‌کند، نمی‌تواند به صورت نامحدود به اصل آزادی عبور استناد نماید.

۴. دستورالعمل سان ریمو درباره مخاصمات مسلحانه دریایی

San Remo Manual on International Law Applicable to Armed Conflicts at Sea

این دستورالعمل که مهم‌ترین مرجع عرفی حقوق جنگ دریایی محسوب می‌شود، برای دولت درگیر در مخاصمه، حقوقی از جمله:

ایجاد مناطق هشدار امنیتی؛

بازرسی شناورها؛

کنترل محموله‌های مشکوک؛

اعمال محدودیت نسبت به پشتیبانی لجستیکی دشمن؛ را شناسایی کرده است.

در مقابل، اصل تفکیک میان اهداف نظامی و غیرنظامی، تناسب، ضرورت و حمایت از کشتی‌های امدادی و تجاری نیز مورد تأکید قرار گرفته است.

حق حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران در مطالبه هزینه‌های خدمات دریایی و امنیت انرژی

یکی از ابعاد مهم و کمتر مورد توجه در ادبیات حقوقی بین‌المللی، مسئله «هزینه‌های واقعی حفظ امنیت و قابلیت دریانوردی» در آبراه‌های راهبردی بین‌المللی است.

واقعیت آن است که امنیت کشتیرانی در خلیج فارس و Strait of Hormuz، مفهومی انتزاعی و بدون هزینه نیست. جمهوری اسلامی ایران طی دهه‌های گذشته، بخش قابل توجهی از بار مالی، امنیتی، عملیاتی و فنی مربوط به:

- ایمنی ناوبری؛
- کنترل و هدایت ترافیک دریایی؛
- حفاظت از خطوط انرژی؛
- امداد و نجات دریایی؛
- مقابله با خرابکاری و تهدیدات امنیتی؛
- مقابله با آلودگی‌های زیست‌محیطی؛
- پاکسازی مین‌ها و تهدیدات انفجاری؛
- تأمین امنیت سکوه‌های نفتی و زیرساخت‌های دریایی؛
- و مدیریت بحران‌های منطقه‌ای؛

را عملاً بر عهده داشته است؛ آن هم در شرایطی که خود کشور تحت شدیدترین تحریم‌های مالی، بانکی، نفتی و حمل‌ونقلی قرار داشته و همزمان متحمل خسارات سنگین ناشی از جنگ، تخریب زیرساخت‌های حیاتی، محاصره اقتصادی و عملیات خرابکارانه شده است.

در چنین وضعیتی، استمرار ارائه رایگان خدمات امنیتی و دریایی به دولت‌ها و شرکت‌هایی که بعضاً خود در اعمال تحریم، جنگ اقتصادی یا حمایت از اقدامات خصمانه علیه ملت ایران مشارکت داشته‌اند، نه با منطق عدالت بین‌المللی سازگار است و نه با اصول توزیع منصفانه هزینه‌های امنیت جمعی.

مبنای حقوقی اخذ هزینه خدمات و عوارض دریایی

بر اساس حقوق بین‌الملل دریاهای، میان «اخذ عوارض صرفاً به دلیل عبور» و «دریافت هزینه خدمات واقعی ارائه‌شده» تفاوت اساسی وجود دارد.

کنوانسیون‌های ۱۹۵۸ ژنو و نیز United Nations Convention on the Law of the Sea هرچند اصل عدم تحمیل عوارض تبعیض‌آمیز بر عبور بی‌ضرر را مطرح کرده‌اند، اما همزمان حق دولت ساحلی برای دریافت هزینه خدمات تخصصی و واقعی ارائه‌شده را به رسمیت شناخته‌اند.

این خدمات می‌تواند شامل:

- خدمات هدایت و راهنمایی دریایی؛
- سامانه‌های کنترل ترافیک؛
- خدمات ایمنی و هشدار؛
- عملیات پاکسازی و مین‌روبی؛
- امداد و نجات دریایی؛
- خدمات زیست‌محیطی؛
- حفاظت امنیتی از مسیرهای پرخطر؛
- و نگهداری زیرساخت‌های ناوبری باشد.

بنابراین، در شرایطی که جمهوری اسلامی ایران به‌واسطه جنگ، تهدیدات نظامی، خرابکاری و افزایش ریسک‌های دریایی، هزینه‌های فوق‌العاده‌ای برای حفظ قابلیت عبور امن در تنگه هرمز متحمل شده است، از منظر حقوقی می‌تواند سازوکارهایی برای جبران بخشی از این هزینه‌ها طراحی نماید؛ مشروط بر آنکه:

ماهیت آن «هزینه خدمات» باشد نه انسداد خودسرانه؛

مبتنی بر مقررات شفاف و اعلام‌شده باشد؛

تبعیض‌آمیز و خارج از چارچوب حقوق بین‌الملل نباشد؛

و با اصل تناسب و ضرورت ارتباط منطقی داشته باشد.

نمونه‌های بین‌المللی قابل استناد

در رویه بین‌المللی نیز نمونه‌های متعددی از اخذ هزینه بابت خدمات دریایی و عبور وجود دارد، از جمله:

؛Suez Canal

؛Panama Canal

هزینه‌های ایمنی و یخ‌شکنی در مسیرهای قطبی؛

عوارض خدمات زیست‌محیطی و ناوبری در برخی آبراه‌های حساس جهان.

هرچند وضعیت حقوقی تنگه هرمز با کانال‌های مصنوعی تفاوت دارد، اما اصل دریافت هزینه خدمات واقعی و تخصصی، در نظام حقوقی بین‌المللی امری شناخته‌شده و مسبوق به سابقه است.

راهبرد کلان جمهوری اسلامی ایران

راهبرد مطلوب برای جمهوری اسلامی ایران نباید بر پایه «انسداد هیجانی و دفاعی» بلکه بر مبنای «بازدارندگی هوشمند حقوقی - دریایی» طراحی گردد.

هدف اصلی این راهبرد:

- تحمیل هزینه سیاسی و حقوقی به متجاوز؛
- حفظ مشروعیت بین‌المللی ایران؛
- جلوگیری از اجماع جهانی علیه کشور؛
- تثبیت جایگاه ایران به‌عنوان قدرت مسئول منطقه‌ای؛
- صیانت از حقوق ملت ایران؛
- و تبدیل امنیت خلیج فارس به یک مسئولیت متقابل و عادلانه است.

نقشه راه اجرایی و عملیاتی

مرحله نخست: تثبیت روایت حقوقی ایران

ضروری است جمهوری اسلامی ایران در نخستین گام، روایت حقوقی و انسانی خود را در سطح جهانی تثبیت نماید.

جهان باید بداند:

ایران آغازگر جنگ نبوده است؛

حملات علیه مناطق مسکونی، بیمارستان‌ها و زیرساخت‌های حیاتی صورت گرفته؛

ترور دانشمندان و مقامات رسمی انجام شده؛

تأسیسات هسته‌ای تحت نظارت بین‌المللی هدف قرار گرفته‌اند؛

هزاران غیرنظامی قربانی شده‌اند.

در حقوق بین‌الملل معاصر، پیروزی صرفاً در میدان نظامی حاصل نمی‌شود؛ بلکه «غلبه بر روایت‌ها» بخش تعیین‌کننده مشروعیت سیاسی و حقوقی دولت‌هاست.

مرحله دوم: فعال‌سازی ظرفیت‌های قضایی و بین‌المللی

ضروری است:

دادگاه‌های تخصصی داخلی برای رسیدگی به جنایات جنگی تشکیل شوند؛

کمیته ملی مستندسازی جرایم بین‌المللی ایجاد گردد؛

از ظرفیت دیوان بین‌المللی دادگستری International Court of Justice، شورای حقوق بشر و مجمع عمومی استفاده شود؛

دعاوی جبران خسارت علیه دولت‌های مهاجم و حامیان آنان مطرح گردد؛

اصل صلاحیت جهانی در برخی کشورها فعال شود.

حتی اگر برخی مسیرها به دلیل ملاحظات سیاسی با مانع مواجه شوند، ثبت حقوقی و تاریخی جنایات، خود بخشی از فرآیند بازدارندگی و مشروعیت‌سازی است.

دکترین امنیت دریایی جمهوری اسلامی ایران

در موضوع تنگه هرمز، رویکرد ایران باید مبتنی بر «مدیریت امنیتی هوشمند» باشد نه انسداد مطلق.

انسداد کامل:

می‌تواند اجماع بین‌المللی علیه ایران ایجاد کند؛

زمینه ورود شورای امنیت ذیل فصل هفتم منشور را فراهم سازد؛

و مشروعیت حقوقی اقدامات ایران را مخدوش نماید.

اما ایران می‌تواند دریایی؛

مقابله با خرابکاری و تهدیدات امنیتی؛

مقابله با آلودگی‌های زیست‌محیطی؛

پاکسازی مین‌ها و تهدیدات انفجاری؛

تأمین امنیت سکوه‌های نفتی و زیرساخت‌های دریایی؛

و مدیریت بحران‌های منطقه‌ای؛

را عملاً بر عهده داشته است؛ آن هم در شرایطی که خود کشور تحت شدیدترین تحریم‌های مالی، بانکی، نفتی و حمل‌ونقلی قرار داشته و همزمان متحمل خسارات سنگین ناشی از جنگ، تخریب زیرساخت‌های حیاتی، محاصره اقتصادی و عملیات خرابکارانه شده است.

در چنین وضعیتی، استمرار ارائه رایگان خدمات امنیتی و دریایی به دولت‌ها و شرکت‌هایی که بعضاً خود در اعمال تحریم، جنگ اقتصادی یا حمایت از اقدامات خصمانه علیه ملت ایران مشارکت داشته‌اند، نه با منطق عدالت بین‌المللی سازگار است و نه با اصول توزیع منصفانه هزینه‌های امنیت جمعی.

اما ایران می‌تواند مشروعانه:

مناطق هشدار امنیتی ایجاد کند؛

کنترل‌های اطلاعاتی و امنیتی اعمال نماید؛

شناورهای مشکوک به پشتیبانی نظامی دشمن را مورد بازرسی قرار دهد؛

محدودیت‌هایی برای شناورهای وابسته به دولت‌های متخاصم وضع کند؛

هزینه خدمات امنیتی و ایمنی دریایی دریافت نماید؛

و هزینه امنیت انرژی را برای دولت‌های مهاجم افزایش دهد.

این اقدامات در صورتی که متناسب، اعلام‌شده، غیرتبعیض‌آمیز و مبتنی بر ضرورت امنیتی باشند، قابلیت دفاع حقوقی بیشتری خواهند داشت.

اصل بنیادین سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران

در این مسیر، اصل راهبردی «عزت، حکمت و مصلحت» باید محور تمامی تصمیمات باشد.

عزت

یعنی عدم پذیرش وضعیت تحقیرآمیز و دفاع قاطع از حقوق ملت.

حکمت

یعنی پرهیز از اقداماتی که کشور را در معرض اجماع جهانی یا جنگ فراگیر قرار دهد.

مصلحت

یعنی سنجش دقیق آثار اقتصادی، سیاسی، امنیتی و اجتماعی هر اقدام.

قدرت‌های بزرگ غالباً تلاش می‌کنند کشور هدف را به واکنش‌های احساسی و پرهزینه سوق دهند تا مشروعیت بین‌المللی آن را تضعیف کنند. هنر راهبردی جمهوری اسلامی ایران آن است که ضمن حفظ اقتدار، در زمین طراحی شده دشمن بازی نکند.

جمع‌بندی نهایی

امروز مسئله صرفاً «تنگه هرمز» یا «آزادی کشتیرانی» نیست؛ مسئله اصلی، نسبت میان امنیت، عدالت و مسئولیت در نظم بین‌المللی است.

دولت‌هایی که همزمان:

جنگ نظامی؛

تحریم اقتصادی؛

تروریسم دولتی؛

و فشار حداکثری علیه ملت ایران اعمال می‌کنند،

نمی‌توانند انتظار داشته باشند امنیت انرژی و منافع راهبردی آنان بدون هزینه و بدون مسئولیت تأمین گردد.

در عین حال، جمهوری اسلامی ایران برای حفظ جایگاه تاریخی، تمدنی و حقوقی خود باید نشان دهد که حتی در سخت‌ترین شرایط نیز در چارچوب اصول بنیادین حقوق بین‌الملل، قواعد انسانی و منطق مسئولانه دولت‌ها عمل می‌کند.

اقتدار پایدار، صرفاً در قدرت نظامی خلاصه نمی‌شود؛ بلکه در ترکیب هوشمندانه «مشروعیت حقوقی، انسجام ملی، بازدارندگی امنیتی، عدالت در توزیع هزینه‌های امنیت انرژی و برتری روایت بین‌المللی» شکل می‌گیرد.

دکتر مرتضی عبدی

رئیس اداره امور بین‌الملل و رئیس اندیشکده مطالعات راهبردی حقوق بین‌الملل مرکز وکلا
کارشناس رسمی و مشاوران خانواده قوه قضائیه